



دوبیتی های محلی افغانستان

۷

قدک مه خم زده موندن مجنون
تو از خانه بنال و مه ز بیرون
کسی که ما و تو از هم جدا کد
ده دریا غرق شوه موندن قارون

دوتا دختر ده یک حولی کلان شد
یکیش فربه دیگیش لاغر جوان شد
سر و جان مه فدای جان لاغر
که لاغر خوش قد و شیرین زبان شد

قبای زرد گُل گُل داره یار جان
هوای شهر کابل داره یار جان
هوای شهر کابل داره یا نی
دوازده بند کاکُل داره یار جان

نصیحت موكونه مادر ده دختر
نكش سرمه نزن تو شانه بر سر
كدام خوار و غريب از راه تو ميايه
موشه ديوانه و مست و قلندر

ستاره ريزه گك پالوى ماتو
موره از عشق تو، نمو بره خو
ده هر وختى كه ده يادم ميايى
به مثل مار زخمى ميخورم تو

زنى گيرم كه ملا زاده باشه
كتاب ليلي و مجنون خوانده باشه
كتاب ليلي مجنون، ورقه گلشاه
ده مى كار عاشقى فاميده باشه

قد يار جان الف و لام و ميم اس
رخ يارجان به مثل گل، دونيم اس
ميان هردو ابروى نگارجان
كه بسم الله الرحمن الرحيم اس

خداوندی که صد نور آفریده
زن و شوهر به دستور آفریده
بنازم قدرتِ قدرت نما را
ز چوب خشک انگور آفریده

رسیدم در سری کوتل سیغان
بدیدم شیخ علی و ملک بامیان
مه قربان مزار اولیا شم
جلایش داره روضه سخی جان

الایار جان تو فکر خام کردی
به دست رهگذر پیغام کردی
به دست رهگذر پیغام بیجا
خوده رسوا، مره بدنام کردی

سر حوض سخی چارده چنار اس
به گرد مرقدش گلها قطار اس
به گرد مرقدش گلها چپ و راس
به قول بی وفا کی اعتبار اس

قدت با چوب تر میمانه جانا

لبت با نایشکر میمانه جانا
اگه مردم س خاکم گذر کو
که داغت با جیگر میمانه جانا

الا دختر سر جوی با نمازی
دو زلفت میکنه شمشیر بازی
خدا داده به تو حسن و جمالی
میان ترک و تاجک سرفرازی

دو زلفای سیاهت خم خم آمد
ده جانم تیر عشقت ماکم آمد
نمیدانم چه سازم چاره دل
چه غم بود اینکه بالای غم آمد

مه قربانت شوم یار همیشه
غماییت از دلم فارغ نمیشه
غماییت بر دلم گشته درختی
کشیده شاخ و برگ و بیخ و ریشه